

تحلیل سیاسی هفته (۲۶)
تحلیلی بر انفجارهای تروریستی اخیر در منطقه

مقدمه

تشدید اقدامات تروریستی در منطقه و به خصوص عراق از جمله مهمترین تحولات خاورمیانه طی هفته‌های اخیر بوده است. وقوع چندین انفجار در محله‌های پرجمعیت و پرتردد شهرهای مختلف عراق، در طول هفته‌های گذشته، به صورت انفجار خودروهای بمب‌گذاری شده، توجه بسیاری از محافل را به خود جلب کرده است. این انفجارها به صورت جداگانه در مناطق «سبع‌البور»، «البلدیات»، «الکاظمیه»، «الشرطه الرابعه» و «شهرک صدر» و دیگر مناطق عراق رخ داد که آمار متفاوتی از تعداد قربانیان آنها ارائه شده، اما آنچه مسلم است با توجه به وقوع آنها در محله‌های پرجمعیت، ده‌ها نفر در این انفجارها جان خود را از دست داده‌اند.

روز هفتم مهر چندین بمب و یک خودروی بمب‌گذاری شده در شهر اربیل و با وجود تدابیر شدید امنیتی در ورودی و خروجی‌های منطقه کردستان عراق توسط نیروهای امنیتی این کشور منفجر شد. در همین روز در کربلا نیز انفجارهایی در منطقه «المسیب» رخ داد که قربانیان آن بیش از ۷۰ نفر اعلام شده‌اند. در همین دوره زمانی انفجارهایی هم در شهرهای «المیادین» و «دیرالزور» واقع در شرق سوریه در نزدیکی مرز مشترک با عراق روی داد که چندین نفر زخمی و خسارت‌هایی نیز بر جای گذاشت.

میزان تلفات این انفجارها در عراق که ظرف یک ماه اخیر صورت گرفته، بی‌سابقه بوده است. فعالیت‌های تروریستی در این کشور در هفته‌های اخیر شدت بیشتری گرفته به طوری که تروریست‌ها در این حملات مناطق مختلف به ویژه مناطق شیعه‌نشین و سنی‌نشین را هدف قرار می‌دهند. این نگرانی وجود دارد که برهه کنونی در عراق بدترین دوره از نظر میزان خشونت‌ها و خونریزی‌های قومی سیاسی در این کشور باشد.

لازم به ذکر است، انفجارهای مشابهی نیز در روز جمعه اول شهریور ۱۳۹۲ (۲۳ اوت ۲۰۱۳) در شهر طرابلس در شمال لبنان در مقابل دو مسجد «السلام» و «التقوی» از مساجد بزرگ طرابلس، در پایان مراسم نماز جمعه و به فاصله چند دقیقه روی داده بود که باعث کشته و زخمی شدن صدها نفر شد. شهر طرابلس از مناطق سنی‌نشین لبنان است و این انفجارها در بستر تنش‌های شدید در لبنان و به ویژه در مناطق شمالی این کشور که همجوار سوریه هستند، روی داده است. پیش از آن نیز انفجار دیگری در جنوب بیروت، در منطقه شیعه‌نشین «الرویس» رخ داده بود و در آن بیش از ۲۷ نفر کشته شدند.

با توجه به مؤلفه‌هایی همچون رشد و گسترش گروه‌های تکفیری و افراطی در منطقه، شدت گرفتن خشونت‌ها و افزایش تحرکات برای تشدید اختلافات فرقه‌ای میان شیعیان و سنی‌ها، انفجارهای متعدد اخیر در عراق و لبنان معنای خاصی پیدا می‌کند. از این رو بررسی اهداف، انگیزه‌ها و سناریوهای مطرح در خصوص انفجارهای منطقه از اهمیت بالایی برخوردار است.

اهداف، انگیزه‌ها و عاملین انفجارهای اخیر

درخصوص دلایل، انگیزه‌ها و اهداف انفجارهای تروریستی اخیر در منطقه گمانه‌زنی‌های بسیاری صورت گرفته است. به‌طور کلی از افزایش تنش‌های فرقه‌ای در عراق و لبنان و تشدید تنش‌ها و درگیری‌های داخلی در سوریه به‌عنوان عمده‌ترین دلیل این انفجارها یاد می‌شود.

با توجه به ماهیت مشترک، شکل و کیفیت اجرای این نوع عملیات تروریستی که از عراق شروع شده و تا سوریه ادامه می‌یابد و دامنه‌های آن به لبنان نیز کشیده شده است، می‌توان مدعی شد که ماشین‌های بمب‌گذاری شده از عراق تا لبنان، سرمایه‌گذارانی مشترک با اهدافی یکسان دارند. در این راستا نقش گروه‌های تکفیری تحت حمایت برخی کشورهای عربی منطقه حائز اهمیت است، به‌طوری که مسئولان عراقی بارها درخصوص حمایت‌های برخی کشورها از این گروه‌های تروریستی و توطئه آنها برای به راه انداختن جنگ‌های فرقه‌ای و طایفه‌ای در عراق هشدار داده‌اند.

نقش کشورهای عربی منطقه با محوریت عربستان سعودی

از نگاه برخی کارشناسان در تحلیل انفجارهای منطقه نمی‌توان از نقش گروه‌های تکفیری مورد حمایت عربستان سعودی در آنها چشم پوشید، به‌خصوص آن که نوع و مکان بسیاری از عملیات‌های تروریستی که طی ماه‌های اخیر روزانه در عراق و لبنان و... به وقوع پیوسته به شکل قابل توجهی با یکدیگر شباهت دارند.

این کارشناسان معتقدند سازمان‌های اطلاعاتی منطقه‌ای به‌خصوص عربستان سعودی، قطر و ترکیه با به خدمت گرفتن تروریست‌های تکفیری در این عملیات‌های تروریستی دست دارند. به این صورت که گروه‌های تروریستی تکفیری و افراط‌گرایان منطقه تلاش می‌کنند با عملیات در داخل و مناطق مرزی عراق و همچنین افزایش خشونت‌ها در سوریه و لبنان، در راستای تأمین منافع رژیم صهیونیستی در منطقه و در نهایت ضربه‌زدن به محور مقاومت گام بردارند.

با توجه به گرایش عربستان سعودی به اتخاذ راه‌حل نظامی در بحران سوریه و حمایت وسیع آن از مجموعه‌های مسلح تکفیری و سلفی در این کشور و با توجه به توافق اخیر روسیه و آمریکا و فروکش کردن تهدید حمله نظامی به سوریه، این انتظار وجود داشت که بحران سوریه با محوریت عربستان سعودی به دیگر کشورهای منطقه مانند عراق منتقل شود. بنابراین می‌توان گفت گروهک‌های تکفیری در عراق، سوریه و لبنان در بستر شبکه گسترده تروریستی فعالیت می‌کنند که پوشش سیاسی، تبلیغاتی و مالی اقدامات آنها توسط عربستان سعودی فراهم می‌شود.

به‌طور کلی می‌توان برخی اهداف و انگیزه‌های داخلی و منطقه‌ای این اقدامات تروریستی را در موارد زیر خلاصه کرد:

اهداف منطقه‌ای

- جبران شکست پروژه‌های براندازی در سوریه؛ که برخلاف انتظار برخی کشورهای منطقه مانند عربستان، ترکیه و قطر روی داد.

- ممانعت از تعامل عراق با کشورهای همجوار به‌خصوص سوریه.

اهداف داخلی

- شکست روند سیاسی در عراق و ناکارآمد نشان دادن دولت مالکی.

- شکاف در عراق و تجزیه قومی - مذهبی در این کشور.

ارزیابی

در ارتباط با انفجارهای هفته‌های گذشته در بغداد و دیگر شهرهای عراق مانند سامرا و کاظمین می‌توان گفت افزایش خشونت‌ها و حملات فرقه‌ای در این کشور در اثر افزایش میزان دخالت خارجی و تقویت گروه‌های مسلح تکفیری رخ داده است. لازم به ذکر است در سال جاری بیش از چهار هزار نفر از شهروندان غیرنظامی عراق در این خشونت‌ها کشته شده‌اند. لذا انفجارهای بی‌سابقه یک ماه گذشته در عراق که در موارد متعددی با استفاده از خودروهای بمب‌گذاری شده در خیابان‌های شلوغ انجام شده است، در راستای انفجارهای منطقه و به‌منظور دامن زدن به اختلافات قومی - فرقه‌ای در این کشور تفسیر می‌شود که با هدف محدود کردن قدرت شیعیان در عراق و منطقه به انجام رسیده است.

در این راستا نقش عربستان سعودی به‌عنوان محرک اصلی در دامن زدن به اینگونه تحرکات تروریستی قابل توجه است.

در ارتباط با لبنان، می‌توان انفجارهای هفته‌های گذشته در این کشور به‌خصوص انفجار در منطقه جنوبی بیروت و انفجار طرابلس در شمال لبنان را در یک راستا تفسیر کرد و انگیزه اصلی عاملان آنها را ایجاد جنگ فرقه‌ای میان گروه‌های سیاسی و مذهبی لبنانی با هدف تأثیرگذاری بر تحولات سوریه و فلسطین، کاستن از نقش گروه‌های لبنانی مانند حزب... در تحولات سوریه، کاهش توجهات به اقدامات رژیم صهیونیستی در رابطه با مذاکرات سازش و همچنین گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری تحلیل نمود. بدین ترتیب عاملان این انفجارها با هدف قرار دادن اماکن متعلق به گروه‌های سنی و همچنین مقر حزب... در صدد تحریک این گروه‌ها علیه یکدیگر و ایجاد منازعه داخلی در لبنان می‌باشند و بدین ترتیب با درگیر نمودن گروه‌های داخل لبنان از نقش‌آفرینی آنها در منطقه می‌کاهند تا به‌راحتی سیاست‌های خود در خاورمیانه را پیش ببرند. از طرفی می‌توان به قصد گروه‌های تکفیری و افراط‌گرایان برای کاشتن بذر فتنه، ضربه زدن به وحدت ملی و همزیستی مسالمت‌جویانه طوایف مختلف لبنان به‌ویژه فرق اسلامی اشاره کرد. زیرا به‌طور کلی یکی از دشمنان اصلی در جامعه کشورهای چندمذهبی، اختلافات بین مذاهب است که ستون کشورداری را سست و منهدم خواهد کرد. لذا تشکیل دولت وحدت ملی تنها راه حل سیاسی فراگیر و واقع‌بینانه در لبنان است که به حمایت‌ها از تروریست پایان می‌دهد. تنها چنین دولتی می‌تواند با بحران‌های خطرناکی که لبنان با آن روبرو است، مقابله کند.

در مجموع می‌توان گفت معضل عربستان، قدرت ایران و متحدان شیعه آن در عراق، سوریه و لبنان است؛ سناریوی مطرح این است که این کشور، راهبردی گسترده‌تر را در دستور کار قرار داده که مبنای آن، ایجاد یک بلوک از دولت‌ها و ارتش‌های سنی مذهب در منطقه است که با جمع شدن حول محور ریاض با قدرت شیعیان، یعنی ایران، عراق و لبنان از طریق درگیر کردن این کشورها در بحران‌های داخلی و منطقه‌ای، به مقابله می‌پردازد. در این میان با فروکش کردن احتمال حمله نظامی آمریکا و متحدانش به سوریه می‌توان گفت عربستان سعودی نتوانسته یکی از اهداف خود مبنی بر به‌کارگیری راه حل نظامی در مورد کشور سوریه را تحقق بخشد.

اکنون لازم است جمهوری اسلامی ایران براساس اصل وحدت جهان اسلام در راستای جلوگیری از تحقق اهداف رژیم صهیونیستی و گروه‌های تکفیری و افراطی به رهبری عربستان و تلاش‌های خود مبنی بر نزدیکی هر چه بیشتر گروه‌های مختلف اعم از شیعه، سنی در عراق و همچنین گروه‌های مختلف شیعه، سنی و مسیحی در لبنان را مضاعف سازد و با فشار بر عربستان سعودی در راستای کاستن از حمایت خود از گروه‌های مسلح تکفیری گام بردارد.